

✓ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و..... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند،

شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید. برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی

لینک زیر کلیک کنید.

[www.karnil.com](http://www.karnil.com)

WWW.KARNIL.COM

THINK  
& GROW  
RICH

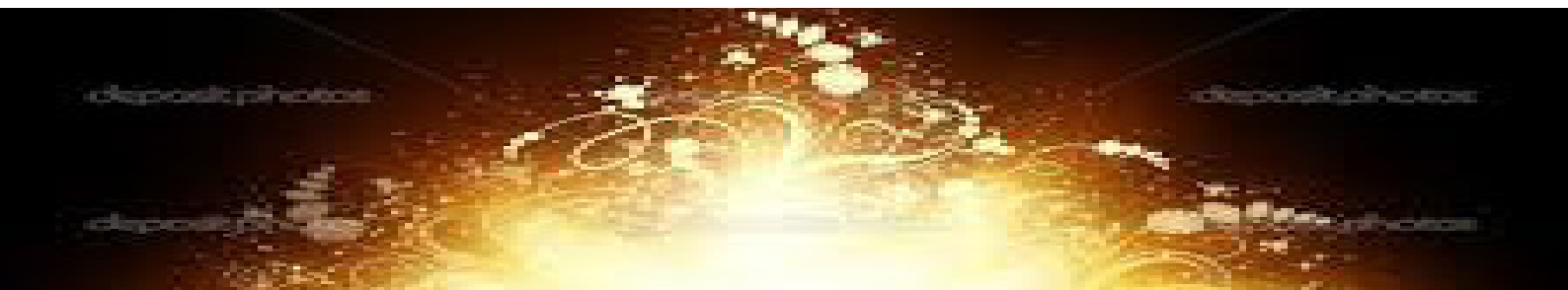
BY  
NAPOLEON HILL

زندگی پیامبر اسلام (ص)

الهامبخش

پرفروشترین کتاب کسب و کار  
جهان

موسی توماج



زندگی پیامبر اسلام (ص)

الهامبخش

پرفروشترین کتاب کسب و کار

جهان



نویسنده

موسی توماج

سایت زندگی رویایی

[ZendegiRoyaie.com](http://ZendegiRoyaie.com)

۱۳۹۵

عضویت در کانال تلگرام سایت زندگی رویایی

## گدای نشسته بر صندوق گنج

می‌گویند گدایی به مدت سی سال هر روز روی صندوق کهنه و زنگ‌زده‌ای در گذری می‌نشست و گدایی می‌کرد. روزی عابری از کنارش می‌گذشت و گدا از او خواست که کمکی بکند.

عابر با تامل به او نگریست و گفت: «آنچه رویش نشسته‌ای چیست؟»

گدا گفت: «صندوق کهنه‌ای بیش نیست، تا جایی که به یاد دارم همیشه روی آن نشسته و از عابران تقاضای کمک کرده‌ام».

عابر گفت: «تا حالا به داخلش نگاه کرده‌ای؟»

گدا پاسخ داد: «نه، این صندوق پوسیده‌ای بیش نیست. چه چیزی می‌تواند داخلش باشد؟»

عابر گفت: «بهتر است نگاهی به آن بیندازی»

و عبور کرد.

گدا از روی اکراه بلند شد و سعی کرد در صندوق را باز کند.

صندوق بااینکه کهنه و پوسیده به نظر می‌آمد، سفت و سنگین بود و در آن بسیار محکم شده بود.

گدا پس از ساعتی و در رفتن در صندوق را باز کرد و از آنچه دید مبهوت شد:

صندوق پر از طلا، الماس و جواهرات قیمتی بود.

گاهی این قصه، حکایت زندگی ماست. صندوق گنج همیشه با ما بوده اما هرگز نگاهی به

درون آن نینداخته‌ایم و آنچه خود داشتیم را ز بیگانه طلب کرده‌ایم.

گنج واقعی در زندگی تفکر، حکمت، دانایی و بصیرت معنوی است و تمام ثروت مادی نیز در اساس خود، از این منشأ ناشی می‌شود. منابع دینی، فلسفی، ادبی و عرفانی ما سرشار از این نوع گنج‌های گران‌بهاست. منظور نگارنده مصادره این منابع و مراجع نیست بلکه توجه دادن به مراجعه، مطالعه، درک و استفاده بیشتر از آنها در مسائل روزمره زندگی فردی و اجتماعی است. واقعاً جای شرمندگی است اگر قرار باشد که دیگران میراث فکری و معنوی فرهنگ ما را بهتر از خود ما بشناسند و بکار گیرند و از مواهب آن برخوردار شوند و ما نشسته بر صندوق گنج از آنان گدایی کنیم.

در این نوشته می‌خواهم به یکی از مصادیق این مسئله پردازم.

ما حضرت محمد (ص) را به‌عنوان پیامبر اعظم و آخرین آنها می‌شناسیم. اما چقدر به وجوه مختلف زندگی پیامبر و صفات انسانی او آگاهییم و از آنها در زندگی خود استفاده می‌کنیم. پیامبر اسلام با تمام عظمت روح و شأن والای معنوی، مثل هر انسان دیگری دارای نیازهای مادی بود و مجبور بود برای تأمین آنها اقدام کند.

پیامبر اسلام در کودکی چوپانی می‌کرد و در جوانی به تجارت می‌پرداخت. ایشان توسط خدیجه که از تجار قریش بود استخدام شد و در کار تجارت بسیار موفق بود.

اما آیا ما تاکنون خواسته‌ایم از منش و صفات ایشان برای موفقیت در زندگی، تجارت و کسب‌وکار استفاده کنیم؟ شاید به دلیل زهدگرایی افراطی که برخی از عرفا و متکلمان ما داشته‌اند، همواره به نکوهش ثروت و مادیات پرداخته‌ایم. اما زندگی پیامبر حکایت از آن دارد که سیره عملی ایشان در این زمینه کاملاً مبتنی بر حکمت، عقلانیت، تعادل و میانه‌روی بوده است.

چيست دنيا از خدا غافل شدن نی قماش و نقره و فرزند و زن

مولوی

باید یادآوری کنم که من هیچ تخصصی در علوم دینی و تاریخ اسلام ندارم. من یک محقق در زمینه موفقیت، رشد شخصی و تحقق قابلیت‌های فردی هستم که سعی دارد از همه منابع موجود در این زمینه استفاده کند.

و بسیار پیش می‌آید که با مطالعه کتاب‌های نویسندگان معروف غربی در این زمینه، می‌بینم که این مطالب در منابع فکری و دینی خودمان به طرز عمیق‌تر و زیباتر بیان شده است. بنابراین بجای جرعه جرعه نوشیدن از جویی خُرد، چرا نباید از سرچشمه سیراب شویم.

حال که کتاب‌های متنوعی در زمینه موفقیت، مثبت اندیشی، کسب ثروت و استقلال مالی هر روزه ترجمه و منتشر می‌شود چرا نباید از منابع دست‌اول فرهنگی و مذهبی خود در این زمینه بهره ببریم. نویسندگان غربی در این زمینه نه تنها از منابع فرهنگی خویش بلکه از ذخایر سایر فرهنگ‌ها نیز به بهترین نحو سودجسته‌اند. آنچه در پی می‌آید یکی از موفق‌ترین نمونه‌های آن است.

## پرفروشترین کتاب کسب و کار جهان

کتاب «بیندیشید و ثروتمند شوید» بر اساس آمار موجود از زمان انتشار آن در سال ۱۹۳۴ تاکنون بیش از ۷۰ میلیون جلد فروش داشته است و پرفروش‌ترین کتاب کسب‌وکار در تاریخ محسوب می‌شود.

در سال ۱۹۰۸ یک نویسنده گمنام اما مشتاق آمریکایی بنام ناپلئون هیل که در آن زمان گزارشگر مجله موفقیت سوئت ماردن بود، فرصتی یافت





تا با ثروتمندترین مرد آمریکا یعنی اندرو کارنگی مصاحبه کند. کارنگی، سلطان فولاد آمریکا، به اشتیاق هیل جوان برای کشف اسرار موفقیت و کسب ثروت پی برد و بنابراین او را به املاکش دعوت کرد. طی اقامت سه روزه کارنگی ایده‌اش را درباره تدوین اصول موفقیت مطرح کرد و گفت که این اصول باید نوشته شوند تا هرکسی بتواند از آنها استفاده کند.

پدر بزرگ اندرو کارنگی اولین کسی بود که وقتی هیچ کتابخانه عمومی وجود نداشت در زادگاه اندرو یعنی شهر دامفرلین در اسکاتلند کتابخانه کوچکی را تأسیس کرد تا به مردم کتاب قرض بدهد. خانواده او که بافنده‌های معمولی بودند وضع مالی خوبی نداشتند ولی عشق و احترام پدر بزرگ به کتاب، تأثیر قابل توجهی بر نوه‌اش گذاشت. بعدها وقتی اندرو کارنگی ثروتمند شد کتابخانه‌ها گزینه‌های بدیهی برای کمک‌های مالی او بودند. در وصیت‌نامه‌اش ۱۰۰ میلیون دلار برای ساختن کتابخانه‌های عمومی در سراسر ایالات متحده و انگلیس اختصاص داد. او تحصیلات چندانی نداشت اما برای کسانی که ذهن بازی داشتند ارزش زیادی قائل بود. معتقد بود که ذهن باز، حاصل مطالعه مداوم است.



کارنگی موفقیت و ثروت را زائیده دانش عمیق و فکر برتر می‌دانست و به ناپلئون هیل جوان پیشنهاد کرد که اگر مصمم باشد ۲۰ سال از عمرش را به پژوهش در این زمینه اختصاص دهد حاضر است توصیه‌نامه‌ای بنویسد و او را به ۵۰۰ نفر از ثروتمندان و افراد موفق جهان معرفی کند تا عصاره موفقیت آنها را استخراج کرده و منتشر کند. هیل که خود، شیفته موضوع

بود، این پیشنهاد را پذیرفت و در واقع نه ۲۰ سال بلکه کل عمرش را به کشف اصول موفقیت و

کسب ثروت اختصاص داد. از معروف‌ترین شخصیت‌هایی که هیل با آنها مصاحبه کرد علاوه بر اندرو کارنگی می‌توان توماس ادیسون، راکفلر، هنری فورد و الکساندر گراهام بل را نام برد.



۳۰ سال بعد از آن ملاقات تاریخی، ماحصل تمام پژوهش‌ها و مصاحبه‌های ناپلئون هیل در قالب کتاب **بیندیشید و ثروتمند شوید** منتشر شد.

ناپلئون هیل به جنبش رشد شخصی و موفقیت، حیات‌ی تازه بخشید که جهان را در بر گرفت. میلیون‌ها جلد از کتاب او به فروش رفت و به

پرفروش‌ترین کتاب در زمینه کسب‌وکار، موفقیت و کسب ثروت تبدیل شد. همچنین زندگی افراد بیشماری را در جهت رشد شخصی، کسب موفقیت و ثروت متحول ساخت.

سال‌هاست که در مجلات، کتاب‌ها، مؤسسات، فیلم‌ها، نوارها، سخنرانی‌ها و همایش‌های بسیار، اسم ناپلئون هیل به زبان‌های مختلف برده می‌شود و افکار و انرژی او در جریان است. مربیان مشهوری همچون دیل کارنگی، نورمن وینسنت پیل، اورال رابرتز، ارل نایتینگل، زیگ زیگلر، جیم ران، جک کنفیلد، باب پراکتور، آنتونی رابینز و دیگران موفقیت خود را به نوعی مدیون ناپلئون هیل می‌دانند و خدمات او را ارج می‌نهند.

ناپلئون هیل در کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید ۱۳ اصل کلیدی را برای دستیابی به هر هدفی از جمله ثروت توضیح می‌دهد. هیل فصل ۹ کتاب را به ویژگی ابرام و مداومت اختصاص داده است. او در دو صفحه آخر این فصل به سرگذشت پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان الگویی برای مداومت و پایداری می‌پردازد. ناپلئون هیل می‌نویسد:

«هیچ کیفیتی به‌اندازه مداومت و پایداری کارساز نیست. وقتی درباره پیامبران، فیلسوفان، اعجازگران



و رهبران مذهبی بررسی می کنیم بدون استثناء به این نتیجه می رسیم که مداومت، تمرکز و تصمیم قطعی و هدف مشخص منابع اصلی موفقیت آنها بوده است.

برای مثال سرگذشت اعجاب برانگیز پیامبر اسلام را در نظر بگیرید. زندگی او را تحلیل کنید. او را با رهبران عصر صنعت و اقتصاد مقایسه کنید و ببینید که چه وجه تشابهی میان آنها وجود دارد. ببینید که بزرگ ترین وجه تشابه آنها **مداومت و پایداری** است.

اگر می خواهید از قدرت شگرف مداومت و پایداری مطلع شوید زندگی پیامبر اسلام را بخوانید. ببینید درباره او چه نوشته اند.

آخرین پیامبر خدا معجزه به خصوصی نداشت. او در مدارس رسمی زمانه خود درس نخوانده بود و قبل از ۴۰ سالگی رسالت بزرگ خود را شروع نکرد. او در ۴۰ سالگی به پیامبری مبعوث شد. به او چه تهمت های ناروا که زدند، چه رفتارهای ناشایست که با او نکردند. او را مجبور کردند که از مکه مهاجرت کند. پیروانش مال و منال خود را از دست دادند و در پی او راهی صحرا شدند. او ۱۰ سال در راه دین خدا کوشید، اما جز فقر و تمسخر دیگران نصیبی نبرد. ۱۰ سال دیگر هم به همین طریق گذشت. اما در پایان این ۱۰ سال دوم او فرمانروای سرزمین عرب بود، حکمران مکه بود. او مذهب جدیدی به ارمغان آورده بود که بخش بزرگی از عالم را دربرمی گرفت. موفقیت او را باید در سه عامل جستجو کرد: **قدرت کلام، تأثیر دعا و نیایش و اتکای به خداوند.**

پیامبر اسلام در یکی از خانواده های برجسته اما فقیر مکه به دنیا آمد. مکه در آن زمان چهارراه دنیا بود، جایگاه کعبه بود، مرکز بزرگ تجارت بود. بسیاری از کودکان و اطفال مکه در بادیه ها بزرگ می شدند. پیامبر اسلام هم در نزد بادیه نشین ها پرورش یافت. او با شیر مادران بادیه نشین بزرگ شد. او در کودکی چوپانی می کرد. کمی دیرتر به استخدام یکی از زنان ثروتمند عرب درآمد تا از کاروان او سرپرستی کند. او در این مهم به اکناف دنیای شرق سفر کرد. با مردان و زنانی حرف

زد که باورهای گوناگون داشتند. او افول مسیحیت در بسیاری از اقشار و اقوام را مشاهده می کرد. در ۲۸ سالگی با خدیجه همان زن بیوه عربی که او را برای سرپرستی کاروانش استخدام کرده بود، پیمان ازدواج بست. ۱۲ سال پس از این ازدواج، محمد (ص) در هیت یک تاجر ثروتمند زندگی می کرد. تا اینکه راهی بیابان شد و سرانجام روزی با نخستین آیه قرآن بازگشت و به خدیجه گفت که جبرئیل بر او ظاهر شده و به او گفته پیامبر خدا باشد.

قرآن کتاب خدا بزرگ ترین اعجاز پیامبر اسلام بود. محمد (ص) شاعر نبود. او با ادبیات آشنایی نداشت، اما آیات قرآن به شکلی که بر او نازل می شد از شعر هر شاعری زیاتر بود و بهتر بر دل ها می نشست. هیچ سخنوری، مانند او کلام را بر زبان جاری نمی کرد.

این برای اعراب در حکم اعجاز بود. آیات قرآن برای اعراب بزرگ ترین هدیه ای بود که دریافت می کردند. قرآن همه را بشارت می داد که جملگی مردم در برابر پروردگار عالم برابر هستند. این باور و درهم کوبیدن بت ها در سرزمین کعبه او را به موفقیت رساند. این بت ها قبایل عرب را به مکه می کشاندند و معنای این هم تجارت بود. در نتیجه تجار و بازرگانان مکه بر او شوریدند. محمد (ص) به بیابان عقب نشینی کرد تا ادعای حاکمیت بر عالم کند.

ظهور اسلام شروع شد. از صحرای عربستان شعله ای زبانه کشید که خاموش شدنی نبود. ارتشی فراهم آمد که جملگی حاضر بودند تا آخرین قطره خون خود بچنگند. محمد (ص) از کلیمی ها و مسیحی ها دعوت کرد که به او بپیوندند. او از همه کسانی که به خدا ایمان داشتند دعوت کرد تا متحد شدند. اگر کلیمی ها و مسیحی ها دعوت او را پذیرفته بودند، دنیا یکپارچه اسلام می شد. وقتی ارتش اسلام به بیت المقدس وارد شد، خون از بینی کسی جاری نشد. اما یک قرن بعد، وقتی جنگجویان صلیبی وارد بیت المقدس شدند از جان هیچ مرد و زن و کودک مسلمان نگذشتند.

با این حال مسیحیان یک نظر گاه مسلمانان را پذیرفتند و آن جایگاه علم و دانش بود.»  
 و دقیقاً همین یک مورد برای غرب کافی بود تا پس از هزار سال زندگی در جهل و تعصب قرون وسطی،  
 در نهایت بتوانند تمدنی جدید برپا کنند که جریان تاریخ را در زمینه‌های بسیاری برای همیشه تغییر  
 داد. این در حالی بود که در میان مسلمانان روز به روز از جایگاه علم و دانش کاسته شد و آن عصر  
 طلایی تمدن اسلامی به خاطرهای دور بدل شد.



ناپلئون هیل عاشق کتاب بود و به نظر می‌آید یک کتاب  
 به‌عنوان معجزه یک پیامبر جذابیت فوق‌العاده‌ای برای او  
 داشته و معنایی فراتر از آنچه تصور می‌شود، را در آن می‌دید.  
 کتاب با تفکر و اندیشه پیوند دارد و بدون اندیشیدن قابل فهم  
 نیست. ناپلئون هیل با کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید اندیشه  
 را با ثروت پیوند داده بود و در اصل منظور او آن بود که

**تفکر اساس هر پیشرفت و موفقیتی است.** در آموزه‌های دینی ما نیز گفته شده که **یک  
 ساعت تفکر از هفتاد سال عبادت برتر است.** در قرآن دائماً به تفکر دعوت می‌شویم  
 اما چقدر در عمل این دعوت را می‌پذیریم؟ به نظر می‌رسد ما آن‌چنان که باید این دعوت را جدی  
 نگرفته‌ایم.

توانایی تفکر بزرگ‌ترین موهبتی است که به بشر اعطاشده، پس سعی کنیم از این توانایی بیشترین  
 استفاده را بکنیم. علاوه بر دستاوردهای ارزشمند دیگر، **ثروت نیز محصول توانایی انسان  
 در تفکر است.**

زندگی پیامبر اسلام (ص)

الهامبخش

پرفروشترین کتاب کسب و کار جهان



نویسنده

موسی توماج

سایت زندگی رویایی

[ZendegiRoyaie.com](http://ZendegiRoyaie.com)

۱۳۹۵

عضویت در کانال تلگرام سایت زندگی رویایی



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

 @karnil